

بررسی فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کاربست دیپلماسی دفاعی

بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب

(اندیشه‌ها، مؤلفه‌ها و راهکارها)

هاشم ناطقی، مجتبی ملکشاهی، سعید نصیرالاسلامی

چکیده

اگر فرهنگ را چارچوبی از «بایدها» و «نبایدها» در نظر بگیریم، فرهنگ دفاعی ترسیمی از موضوعاتی است که با توجه به مبانی موجود، در بطن جامعه وجود دارند. فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته و ملهم از تفکر اسلامی بر پایه قرآن کریم، آموزه‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و مجموعه نظرات راهبردی بنیانگذار انقلاب اسلامی و حضرت امام خامنه‌ای است، با رویکردی ارزش‌محور و انسان‌محور سعادت، سربلندی و اقتدار نظام اسلامی را خواستار بوده و عزت و شوکت اسلام و مسلمین آرمان آن می‌باشد. با پایان چهل‌سالگی یا به تعبیری «چله انقلاب» و آغاز دهه پنجم حیات انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری با صدور بیانیه‌ای موسوم به «گام دوم انقلاب» و در بخش‌هایی که مربوط به «استقلال و آزادی» و «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» بود، به نوعی اصول سیاست خارجی کشور را بر مبنای سه اصل «عزت»، «مصلحت» و «حکمت» ترسیم نمودند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که چه راهکارها و راهبردهای برای کسب منافع جمهوری اسلامی ایران لازم است؟ فرضیه پژوهش نیز بر این پایه قرار دارد که با اتخاذ دیپلماسی دفاعی در راستای فرهنگ دفاعی منتج از منویات مقام معظم رهبری می‌توان منافع جمهوری اسلامی ایران را تأمین و تضمین نمود. از آنجا که توجه و اهتمام به ابعاد فرهنگ دفاعی ایران اسلامی در حوزه‌های نرم و سخت، یکی از بنیادی‌ترین وظایف اتحاد جامعه اسلامی به‌ویژه مسئولین نظام می‌باشد، لذا نیل به این هدف والا مستلزم همکاری و همیاری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است. در این راستا، گزینش دیپلماسی دفاعی متناسب با سطح تهدیدات پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران، در تمام شئون مدیریتی کشور لازم‌الاجرا بوده که در پی کاربست صحیح آن، شاهد اقتدار نظامی و دفاعی این نظام مقدس خواهیم بود. مقاله حاضر، با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار اسنادی و منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. ارائه یک مدل و نمودار مفهومی از فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران (مستخرج از آیات و روایات عدیده دین مبین اسلام) و بیانات مقام معظم رهبری (بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب) و با رویکردی بر اساس اصل استکبارستیزی، از یافته‌های اساسی تحقیق حاضر می‌باشد.

کلمات کلیدی: فرهنگ دفاعی، دیپلماسی دفاعی، گام دوم انقلاب، امنیت ملی.

بیان مسأله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) یکی از بارزترین رخدادهای قرن بیستم به‌شمار می‌رود. انقلابی که در ابعاد گوناگون (سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و...) منشأ پیامدهای بنیادین و شگرفی در سطح جهان گردید و علاوه بر آن که به انسان‌ها کرامت، به مسلمانان شوکت و به مؤمنان عزت و عظمت بخشید، در ایران نیز بر منافع بیگانگان خط بطلان کشید.

بی‌گمان، ویژگی ضداستعماری این انقلاب عظیم، راه هرگونه سوءاستفاده بیگانگان از منافع ملی را سد کرد و عزم دشمنان را در جهت از بین بردن اهداف ضداستعماری نظام اسلامی دوچندان نمود. طرح نقشه‌های جدید در جهت دست‌یازی به خاک، هویت، فرهنگ و منافع ملت، در دستور کار دشمنان قرار گرفت.

در این میان بعد از رحلت جانگداز بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، از سلاله پاک ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، یکی از یاران و شاگردان امام‌راحل (ره) - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - زعامت و رهبری شیعیان جهان را در ایران بر عهده گرفته و در این برهه مهم تاریخی با تدبیر و بصیرت خاصه خود در شناخت دشمن و شگردهای مقابله و پیکار با آنان در جبهه‌های گوناگون، نقشی بسزا ایفا نموده است. در شرایط کنونی که علم و اندیشه و ابزار با سرعتی بسیار بالا و حتی در چشم‌هم‌زدنی در حال تغییر و جابجایی است، بالطبع تهدیدات و فرصت‌ها نیز سیالیت پرشتایی دارد.

حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای، به عنوان زعیم امت اسلامی و نظریه‌پرداز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و جانشین راستین و بی‌بدیل بنیانگذار انقلاب ایران، در زمینه نهادسازی و تبیین جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، دفاعی و فرهنگی و... دریای اندیشه‌ای به وجود آورده است که از زلال اسلام ناب‌محمدی(ص) سرچشمه گرفته و با پیوند میان دین و مقتضیات زمان اسلام، تدابیری دقیق و لطیف برای سربلندی و عزت و شکوت مسلمانان و به‌ویژه ایران اسلامی به عنوان گنجینه‌ای عظیم تلقی می‌گردد. ایشان نه تنها در بُعد عملی، که از جنبه نظری نیز توانست شالوده اندیشه‌ای سیاسی را بنا نهد که از رهیافت فکری آن حضرت، می‌توان سیمایی از سازندگی، بالندگی و جاودانگی مکتب اسلام را در فضای نوین جهانی ارائه داد.

با سپری شدن چهار دهه پر فراز و نشیب از انقلاب اسلامی و در طلیعه ورود به پنجمین دهه انقلاب، رهبر معظم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای مهم، راهبردی، استراتژیک و هوشمندانه صادر کردند که با توجه به محتوای بیانیه و تصریح ایشان مبنی بر ورود به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در چهل‌ساله دوم، به بیانیه گام دوم انقلاب شهرت یافته است.

این بیانیه در حوزه سیاست خارجی حاوی نکاتی دقیق و هوشمندانه است که اولین نکته آن اینست که ایران هیچ‌گاه آغازگر هیچ نوع جنگی، درگیری و تنش با دولت و کشور دیگری نبوده که این امر حاکی از سیاست مسالمت آمیز و در حقیقت مثبت ایران با کشورهای همسایه است. دومین نکته اینکه انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گاه از ابتدا تا کنون بی‌رحم و خون‌ریز نبوده است و این پاسخی است به عملکرد گروه‌های افراطی چون داعش و تکفیری‌های وهابی که اسلام خشن، وحشی و منزجر کننده را به دنیا ارائه داده‌اند تا مردم دنیا و حتی مسلمانان را از اسلام اصیل بترسانند و منزجر کنند و مانع رسیدن پیام اسلام به گوش مردم دنیا شده‌اند.

سوم اینکه هدف انقلاب اسلامی ایجاد تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی حضرت صاحب‌الزمان(عج) است. بدین معنا که ایده‌های بزرگ مانند وحدت جهان اسلام به معنای واقعی و تشکیل امت واحده در زمان آقا امام زمان محقق خواهد شد و وظیفه‌ای که ما بر عهده داریم این است که زمینه را آماده کرده و برای آن دوره آماده شویم و این آمادگی از طریق ایجاد تمدن اسلامی است.

چهارمین نکته از بیانات مقام معظم رهبری اینست که مدل ارائه شده در انقلاب اسلامی ایران، تجربه‌ای بی‌سابقه است که همانندی برای آن وجود نداشته که قبلاً دیگران آن را آزموده باشند و انقلاب اسلامی در حقیقت ادامه آن راه باشد. این مطلب اشاره دارد به الگوهای انقلابی و اسلامی که در تاریخ معاصر و شاید قرون قبلی شاهد آن بودیم. حال از دید انقلاب‌ها؛ انقلاب‌های سوسیالیستی، لیبرالیستی، قومیتی و استقلال‌طلبانه را شاهد بودیم. ایشان تأکید می‌کنند انقلاب اسلامی ابداً از جنس هیچ یک از این انقلاب‌های دیگر نیست و یک تجربه تازه است و مبتنی بر راه طی شده توسط دیگران نیست.

پنجمین نکته که معظم‌له چند سال پیش در اصول سیاست خارجی بر آن تأکید داشتند، سه اصل بنیادین یعنی عزت، مصلحت و حکمت است که دولت‌ها در نظام اسلامی می‌بایست سیاست خارجی خود را بر این اصول استوار سازند. در زمینه عزت منظور ایشان عزت ملی است یعنی ملت ایران ملت عزیزی است، سلطه‌پذیر نیست و در مقابل فشارها مقاومت کرده و سر تعظیم فرود نمی‌آورد. در رابطه با اصل حکمت، یعنی اینکه هرچند ما انتقادات گسترده‌ای به نظام استکبار جهانی داریم ولی مصلحت ما این نیست که ارتباط خود با جهان را قطع کنیم. لذا بایستی در عین حال که روابطمان را با دیگر کشورها حفظ می‌کنیم اما روابطمان بر اساس مصلحت و مرزبندی با دشمن باشد. خاکریز، حدود و مرزهای خودمان را از دشمنان جدا کنیم. روبرایستی را کنار گذاشته و با شجاعت و حکمت دوست را از دشمن جدا کرده و در راه تمدن‌سازی و زمینه‌سازی حکومت جهانی با الگوهای عزتمندانه و حکیمانه گام برداریم.

بی‌تردید، تدوین، تبیین و ارائه به‌روز دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آن حضرت و آرای ایشان درباره دفاع، جهاد و سیاست خارجی و به عبارتی بهتر و شایسته‌تر «فرهنگ دفاعی»، با توجه به تحولات نظام بین‌الملل و پیشرفت علم و فناوری در کسری از ثانیه، راهگشای نسل جوان حقیقت‌جو، دانش‌پژوهان معرفت‌جو و پایوران سیاسی و حتی تمامی محافل علمی و دانشگاهی جهان خواهد بود. امید آنکه دانش‌پژوهان، اندیشمندان و دست‌اندرکاران اندیشه‌های حکومتی، از رهگذر تدبّر و تعمق در محور نوشتار حاضر دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در مورد جهاد و دفاع، فرهنگ دفاعی و ابعاد دفاع(در بُعد سخت) را از محتوای بیانیه گام دوم انقلاب به خوبی دریافت نمایند

بر این اساس در پژوهش حاضر با تبیین کاربرست دیپلماسی دفاعی، تلاش می‌شود تا نقشه راهی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی ارائه گردد. امید آنکه رهنمودها و راهبردهای آن حضرت، نصب‌العین همه ملت، جوانان و به‌ویژه مسئولین انقلاب اسلامی قرار گیرد.

سؤال اصلی:

مهمترین راهکار و راهبرد تأمین و تضمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی کدامند؟

سؤالات فرعی:

چه رابطه‌ای میان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و اهداف منافع ملی وجود دارد؟

۱-۲- فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

چنین به نظر می‌رسد که کاربست دیپلماسی دفاعی منتج از فرهنگ دفاعی بهترین راهکار و راهبرد تأمین و تضمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

فرضیه فرعی:

فرضیه (۱) اینگونه به نظر می‌رسد که ابتناء بیانیه گام دوم انقلاب بر سه اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» می‌تواند تأمین‌کننده اهداف منافع ملی ج.ا.ایران باشد.

۱-۳- اهداف تحقیق:

- شناخت مفاهیم فرهنگ دفاعی، دیپلماسی دفاعی و امنیت ملی
- بررسی ابعاد و زوایای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های امنیت ملی

۱-۴- ادبیات پژوهش:

۱-۴-۱- فرهنگ دفاعی^۱

آقابخشی در تعریف فرهنگ اینگونه آورده است: «مجموعه عناصر معنوی و مادی که در سازمان‌های اجتماعی جریان می‌یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی یا فرهنگ نام دارد. لوی استروس نیز فرهنگ را قدرت سازمان دادن انسان برای تغییر شرایط محیط و مقاومت داشتن در برابر حوادث قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی تعریف کرده است. ادوارد هریو^۲، سیاستمدار و متفکر فرانسوی، فرهنگ را همان چیزی دانسته که وقتی همه‌چیز را فراموش کردیم برایمان باقی می‌ماند و آنگاه که همه چیز را آموختیم، با فقدان آن روبرو می‌شویم: «آنچه که باقی می‌ماند، همان بشردوستی است». (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۱۳۹)

«فرهنگ دفاعی» یعنی هنر دفع خطر بر اساس موازین و معیارهای مکتبی و در معنای وسیع آن، یعنی هنر خوب دفاع کردن، اجرای سیاست‌های مشخص و استراتژی معین و استفاده بهینه از ابزار مادی و معنوی که سبب دفاع شایسته و مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد. بنابراین فرهنگ دفاعی یعنی اجرای سیاست‌های مشخص و استراتژی معین توسط کسانی که هنر خوب دفاع کردن را با استفاده عقلانی از ابزارهای مادی و معنوی مناسب برای حفاظت و مراقبت از همان دستاوردهای معنوی و مادی را آموخته‌اند. (مطهرنیا، ۱۳۸۷: ۶۶)

۱-۴-۲- دیپلماسی دفاعی^۳

دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد. این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط بریتانیا وارد ادبیات روابط و سیاست بین‌الملل گردید. این مفهوم به مانند سایر مفاهیم

1 Defense Culture

2 Edward Herriot

3 Defense Diplomacy

علوم انسانی دارای تعریفی واحد و ثابت نمی‌باشد. با این حال می‌توان این تعریف را از دیپلماسی دفاعی ارائه کرد: «دیپلماسی دفاعی به عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی، مقوله‌ای است که بیشتر از سوی سازمان دفاعی کشورها مورد پیگیری واقع می‌شود. این سازمان‌ها تلاش دارند با استفاده از ظرفیت‌های سخت/نرم‌افزاری این مقوله، تعاملاتی را با بازیگران بیرونی برای تأمین بهتر منافع ملی و بهبود شاخص‌های امنیت ملی برقرار نمایند». (وحیدی، ۱۳۸۹: ۱۱)

هدف از دیپلماسی دفاعی، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالیه یک نظام سیاسی در قالب استراتژی کلان ملی است. بنابراین دیپلماسی دفاعی در برگیرنده هر دو بُعد قدرت نرم‌افزاری و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی با کمک بخش دفاع و بدون کاربرد قدرت سخت، تأمین شود. رابطه بین دیپلماسی دفاعی و سایر موضوعات راهبردی در شرایطی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌شود که امکان تعامل متقابل بین دو حوزه یادشده وجود داشته باشد. (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

دیپلماسی دفاعی، دربرگیرنده فعالیت‌هایی مانند انجام گفتگوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن از سوی ارتش‌های کشورهاست. (Willard, 2006: 5-6) دیپلماسی دفاعی بخشی از دیپلماسی ملی است و این دیپلماسی باید مبتنی بر منافع و مناسبات ژئوپلیتیکی و امنیتی باشد که آنها هم نشئت گرفته از تلاش دولت‌ها برای بهسازی و بهبود محیط امنیت بین‌المللی است. هدف از دیپلماسی دفاعی، حمایت از منافع ملی نظیر حفظ یا برقراری محیط امنیتی صلح‌آمیز، نوسازی شیوه نظامی و تقویت نفوذ در دیگر کشورهاست که برآیند بارز آن، «بازدارندگی»^۱ است. هنر دیپلماسی دفاعی نیز آن است که با استفاده از منابع محدود، دستیابی به منافع ملی را به حداکثر برساند و بتواند سهم مناسبی از منابع ملی را به کشورهایی اختصاص دهد که از قابلیت راهبردی لازم برای اثرگذاری بر محیط منطقه‌ای برخوردارند. (Corcoran, 2003: 183)

۳-۴-۱- امنیت ملی^۲:

تأمین امنیت^۳ مهم‌ترین وظیفه دولت‌هاست. نظریه‌های دولت فلسفه وجودی دولت را عمدتاً در برقراری امنیت جستجو می‌کنند. در گذشته امنیت حوزه محدودی داشت اما به مرور تفاسیر موسع از آنها انجام شد و ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به خود گرفته و در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی مطرح گردید. اکنون دیگر نمی‌توان امنیت را به یک حوزه محدود کرد و ابعاد دیگر آن را نادیده گرفت. امنیت از این نظر که می‌تواند بستر و محیط امنی را برای فعالیت سایر بخش‌ها فراهم آورد از اهمیت زیاد و فوری برخوردار است. ملت‌ها بدون وجود امنیت نمی‌توانند خود را در راستای تولید ثروت، گسترش ارزش‌های مورد نظر و تقویت قدرت ملی خود قرار دهند. با تأمین امنیت بستر لازم برای سایر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده و با تولید ثروت و قدرت، پایه‌های قدرتمندی برای برقراری امنیت و توان کشور مهیا می‌گردد. (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳)

واژه امنیت از جمله واژه‌هایی است که به لحاظ برخی شباهت‌ها، دارای مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر بوده که گستره بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. طبیعی است که ارائه تعریفی کامل و جامع برای این‌گونه مفاهیم، کاری دشوار است. (بخشی، ۱۳۹۵: ۴۲) لذا برخی از اندیشمندان معتقدند امنیت مفهومی اساساً مناقشه‌انگیز است و هیچ میزانی از استدلال و مدرک نمی‌تواند باعث شود توافقی بر سر نسخه واحدی، به عنوان نسخه درست و استاندارد، از مفاهیم این‌چنینی که ارزش‌محور هستند، شکل بگیرد. از نظر باری بوزان نیز، امنیت مفهومی اساساً مجادله‌آمیز است که یکی از ویژگی‌های آن «مناظرات و مجادلات غیرقابل حل در مورد معنا و کاربست آن» است. (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲) بر همین اساس، درباره مفهوم «امنیت ملی» ابهام حتی بیشتر است. واضح است که ارائه تعریفی واحد از امنیت ملی نیز بسیار صعب و مشکل باشد، چرا که تعریف امنیت ملی در دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است. به باور بوزان، امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف، مبهم، ولی از نظر سیاسی اصطلاحی قدرتمند باقی مانده است، چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد. (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳) مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم انسانی در معرض تفاسیر و تعبیر گوناگونی قرار دارد. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند، به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید نکند. امنیتی دارای ابعاد عینی و ذهنی - روانی است؛ بدین معنا که امنیت هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است. بدین معنا که در جامعه‌ای ممکن است

1 Deterrence

2National Security

3Security

امنیت وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت نکند. در واقع احساس امنیت تلفیقی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی تلقی می‌گردد. (نصوحیان، ۱۳۸۹: ۸۲)

در تعریفی دیگر از امنیت ملی آمده است: امنیت ملی عبارتست از توانایی یک دولت در جلوگیری از تهدید نسبت به سه مؤلفه: تمامیت ارضی، جامعه و رژیم که مهمترین عنصر بقای دولت است. مقوله امنیت ملی از پنج بخش تأثیر می‌پذیرد: امنیت نظامی که به دو سطح تأثیر متقابل قابلیت‌های تهاجم و دفاع مسلحانه کشورها و برداشت آنها از مقاصد یکدیگر توجه دارد؛ امنیت سیاسی که به ثبات سازمانی کشورها، سیستم‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی که به آنان مشروعیت می‌دهد، توجه می‌کند؛ امنیت اقتصادی که به دارا بودن منابع و بازارهای ضروری جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت (اقتصادی) کشور توجه دارد؛ امنیت اجتماعی که به حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، ملی و آداب و رسوم در چارچوب شرایط قابل قبول برای تکامل تدریجی آنها توجه می‌کند و امنیت زیست‌محیطی که به حفظ ابعاد محیط زیست در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. (تائب، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۳۹)

فرهنگ علوم سیاسی در تعریف امنیت ملی این چنین عنوان می‌نماید: مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خرابکارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفتن است. امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است، یعنی آمادگی برای مخاصمه به‌خاطر بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۸۰)

مفهوم امنیت مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب‌نظران نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آن‌ها از این واژه باز می‌گردد. بر همین اساس، آرنولد ولفرز معتقد است: «امنیت ملی نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد». نقطه مشترک در تمام تعاریف امنیت ملی بر روی ضرورت «حفظ وجود خود» استوار است. به عبارت دیگر می‌توان امنیت را «حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین خطرات» دانست. برخی صاحب‌نظران حفظ خود یا «صیانت ذات و نفس» را در چهار پدیده زیر خلاصه کرده‌اند: ۱- حفظ جان مردم؛ ۲- حفظ تمامیت ارضی؛ ۳- حفظ نظام سیاسی اقتصادی؛ ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۱)

احساس امنیت به عنوان یک متغیر اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی قرار گیرد. از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تأثیر می‌گذارند، می‌توان به نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی در دسترس، مشارکت، پایبندی به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و عوامل و زمینه‌هایی مثل جنسیت، سن، نوع خانواده و... اشاره کرد. (میری‌آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲۴)

برای درک مفهوم امنیت در قالب یک کشور یا دولت ملی، باید هفت ویژگی مهم امنیت ملی را دریافت که عبارتند از: ۱- امنیت ملی دارای وجوهی عینی-ذهنی است؛ ۲- امنیت ملی دارای وجوهی از سلبی یا ایجابی بودن است؛ ۳- امنیت ملی دارای وجوه سخت‌افزاری/نرم‌افزاری است؛ ۴- امنیت ملی دارای وجوه داخلی/خارجی است؛ ۵- امنیت ملی دارای وجوه تهدید/آسیب است؛ ۶- امنیت ملی دارای وجوه تهدید/فرصت است؛ ۷- امنیت ملی دارای وجوه مطلق‌بودن/نسبی‌بودن است. در نهایت اگر بخواهیم تعریفی جامع از امنیت ملی ارائه کنیم، عبارتست از: «تهدید عینی و ذهنی علیه بنیان‌های حیاتی و مشروعیتی یک ساختار سیاسی و همچنین ایجاد بستر مناسب حیات، ترقی، رفاه یا حتی نفوذ» (غرایاق‌زندی، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۰)

با توجه به اینکه در عمل امنیت ملی را ناظر بر تهدیدات موجود تعریف و تقسیم‌بندی می‌کنند، توجه به گونه‌های مختلف تهدیدات در تقسیم‌بندی امنیت ملی ضروری است. تهدیدات امنیتی، گونه‌های زیاد و متنوعی را شامل می‌شوند که هر روز ممکن است به گونه‌های دیگری تقسیم و تکثیر شوند. به عنوان مثال می‌توان تهدیدها را به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و منابع تقسیم کرد. از طرف دیگر می‌توان ارزش‌های هر جامعه را به چند قسمت عمده تقسیم نموده و از هم جدا کرد، به تبعیت از این تقسیم‌بندی ارزش‌ها، امنیت ملی نیز به قسمت‌هایی جزئی‌تر تقسیم می‌گردد. (صالح‌نیا، بختیاری، ۱۳۹۷: ۲۵۷)

واضح است که رشد و اعتلای هر کشور و تحقق امنیت ملی آن مستلزم شناخت و استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهایی است که ممکن است فراروی آن کشور قرار گیرد. فرصت‌ها برای هر کشوری می‌تواند ناشی از فرایندها و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. همچنین تهدیدها نیز ناشی از فرایندهای مختلفی است که ریشه در سطوح مختلف دارند. از این‌رو درک و شناخت دقیق و جامع از تحولات مختلف، زمینه و فرصت استفاده بهینه از این تحولات را در جهت رشد و بالندگی کشور و مقابله و رویارویی با مخاطرات و تهدیدات ناشی از آنها را فراهم می‌آورد.

فرصت‌ها معمولاً حاصل تلاش و برنامه‌ریزی مسئولان، نخبگان و فعالان عرصه‌های مختلف یک کشور و تهدیدات، ماحصل فعل و انفعالات سایر بازیگران در عرصه بین‌المللی هستند. نکته مهم در این زمینه آن است که عدم شناخت و درک درست و به‌هنگام برخی فرصت‌ها و عدم

برنامه‌ریزی و ناتوانی در استفاده از آنها، ممکن است فرصت‌ها را به تهدیداتی علیه امنیت ملی کشورها تبدیل کند. نکته قابل توجه دیگر آن که فرصت‌ها می‌توانند هم‌افزایی داشته باشند. هم‌چنانکه این امر درباره تهدیدات نیز صدق می‌کند. از این رو استفاده مطلوب از برخی فرصت‌ها، به خلق و توانایی استفاده از فرصت‌های جدیدی منجر خواهد شد. هم‌چنین بی‌توجهی و ناتوانی در مواجهه با برخی تهدیدات ممکن است تهدیدات جدید و چه بسا بزرگ‌تر و خطرناک‌تری را به وجود آورد.

با توجه به تعاریف مختلف و متفاوت از امنیت ملی که بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی ارائه شده‌اند، رویکردها به این مسأله نیز متفاوت است. در رویکرد سنتی به امنیت ملی که با اندیشه‌های واقع‌گرایانه همراه است، عمدتاً بر شاخص‌های مادی و امنیت نظامی تمرکز دارند. از این نظر، سایر ابعاد امنیت از اهمیت چندانی برخوردار نبوده و صرفاً ابزارهایی برای تأمین امنیت نظامی هستند. این برداشت از امنیت، در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ گفتمان امنیتی مسلط در جامعه دانشگاهی بود.

ولیکن با فروپاشی شوروی و کاهش تهدیدات نظامی علیه قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل، گفتمان امنیتی مسلط دوران بعد از جنگ جهانی دوم نیز دگرگون گردید. بسیاری از محققان معتقدند که با پایان یافتن جنگ سرد و تغییرات ژئوپلیتیکی بعد از آن، سیاست‌ها و برداشت‌های سابق در مورد منافع و امنیت ملی کشورها منسوخ شده‌اند و بازنگری بنیادین در منافع و سیاست‌ها ضروری است. در این راستا، توجه به نقش عوامل و خواسته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در بازتعریف اهداف و سیاست‌های امنیت ملی به شدت در حال گسترش است. در دوران جدید، شاخص‌های روانی امنیت و ابعاد غیرنظامی آن نیز مهم تلقی می‌شوند. به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت از اولویت بالاتری نسبت به امنیت نظامی برخوردار شده‌اند.

هم‌چنین امنیت ملی را به دو بُعد کاملاً به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تقسیم می‌نمایند. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدهای پدیدار و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (مانند شورش، جدایی‌طلبی و...)، اقتصادی (مانند نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (به مثابه کودتا، جنگ داخلی و اجتماعی و نیز آشوب و شورش اجتماعی) باشند که هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت فشار قرار داده و موجودیت آن را مورد تهدید قرار می‌دهند. جنبه خارجی امنیت نیز به تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (تحریم‌های اقتصادی)، فرهنگی و اجتماعی است. امروزه این امر پذیرفته شده که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملل به یکدیگر، امنیت ملی در ابعاد خارجی و داخلی به یکدیگر مرتبط بوده و تحت تأثیر و تأثر یکدیگر قرار دارند و در حقیقت به مثابه حلقه‌های مختلف یک زنجیرند و اگر در یکی از حلقه‌ها امنیت به خطر افتد، این مخاطره بر سایر نقاط تأثیر خواهد گذاشت. همان‌گونه که «ریچارد اولمان» یادآور می‌شود، تهدید برای امنیت ملی به طور خلاصه نتیجه رویدادهایی است که:

۱- به طور مؤثری در مدت زمان نسبتاً کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۲- دامنه انتخاب سیاست‌گذاران را در معرض خطر قرار می‌دهد. «با پذیرش این نظر، به راحتی می‌توان پی برد که امنیت پدیده‌ای تجزیه‌ناپذیر است. زیرا وقتی کشوری در یک نقطه از سرزمین خود فاقد امنیت باشد، این وضعیت در تمامی شئون و دیگر ارکان آن کشور تأثیر خواهد گذاشت. به این ترتیب نمی‌توان پذیرفت کشوری مدعی برخورداری از امنیت داخلی باشد، اما مثلاً یک استان، شهر یا بندر آن در اشغال بیگانه بوده یا از سوی دولت‌های دیگر مورد تهدید واقع شود.» (مرادیان، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱)

علی‌رغم پیوستگی ابعاد امنیت ملی، با توجه به تهدیدات موجود در بُعد داخلی امنیت ملی می‌توان به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها همانند انسجام ملی، هویت یکپارچه، اجماع نظر نخبگان قدرت سطح یک کشور، روحیه ملی (غرایاق زندی، ۱۳۹۰: ۲۴)، احساس ایمنی و احساس آزادی از ترس، اتحاد و همبستگی ملی (همسویی و همراهی وحدت ملی و یکپارچگی ملت با نظام سیاسی)، قدرت دفاعی و اعتماد به نظام و آینده کشور (اعتماد عمومی)، همیاری و همکاری عامه مردم در مقابل حوادث و رویدادهای ناگهانی و مجموعه‌ای از تجلیات سیاست داخلی به مانند رفاه عمومی، دیوانسالاری کارآمد، وحدت و انسجام نخبگان، حقانیت و مشروعیت حکومت در میان مردم، ویژگی‌های ملی، یکپارچگی اجتماعی، ثبات سیاسی، شکل حکومت و قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی و... به عنوان مؤلفه‌های امنیت ملی در این قسم از امنیت اشاره داشت. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۵۲)

الف) ابعاد امنیت ملی:

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل تهدید کننده امنیت ملی را به شرح ذیل تقسیم بندی نمود:

۱- امنیت سیاسی: امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه

معکوسی وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه سطح دموکراسی در جامعه‌ای بیشتر باشد، امنیت سیاسی نیز بیشتر و بالعکس هر چه استبداد سیاسی بیشتر حکمفرما باشد، امنیت سیاسی کمتر خواهد بود.

۲- **امنیت اقتصادی:** این نوع از امنیت ناظر بر روند طبیعی و رو به رشد فرآیندهای اقتصادی و نهادهای تولید، توزیع و مصرف، حیات فعال و بدون دغدغه بنگاه‌های اقتصادی، مالی، بانکی، سرمایه‌ای و بیمه‌ای در بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی، تعامل سازنده با اقتصاد بین‌المللی و روند فزاینده مبادلات و داده و ستاده در بازار تجارت بین‌الملل و نظائر آن می‌باشد.

۳- **امنیت نظامی:** ناظر بر قابلیت و توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آنها در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است. با توجه به اینکه در تاریخ بشر تجارب زیادی در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی وجود دارد و متقابلاً از طریق نیروهای نظامی امر دفاع یا امنیت فراهم شده است، بنابراین بُعد نظامی امنیت در گذشته بسیار برجسته بوده است. امنیت نظامی اصلی‌ترین عنصر امنیت ملی محسوب می‌شود. در واقع عنصر نظامی‌گری، معیار نهایی است تا به وسیله آن، میزان کل پتانسیل اقتدار و توان (حفظ) امنیت ملی سنجیده شده و مورد قضاوت قرار گیرد.

۴- **امنیت اجتماعی:** معمولاً امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. در این رابطه جوامع زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آنان مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه، تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد. منظور از امنیت اجتماعی تداوم پایدار هویت، منافع، مزیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی یک جامعه و راهکار حل کشمکش‌های اجتماعی موجود بر سر مقوله اصلی در چارچوب فرهنگ هر جامعه است. بنابراین بین امنیت ملی و اجتماعی مرز وجود دارد به طوری که وقتی سرزمین و حاکمیت مورد تعرض و تهدید قرار گیرد، امنیت ملی موضوعیت می‌یابد و زمانی که هویت جامعه مورد تجاوز باشد، امنیت اجتماعی به میان خواهد آمد. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷)

ب) مؤلفه‌های امنیت ملی

در راستای مواردی که در بحث‌های قبلی بدان‌ها اشاره شد، مؤلفه‌های امنیت ملی عبارتند از:

۱- حفظ جان مردم

۲- حفظ استقلال و حاکمیت کشور و تمامیت ارضی

۳- تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور

۴- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی

این چهار مؤلفه را به عنوان «جوهره امنیت ملی» نامیده‌اند، چرا که تمام افراد، گروه‌ها، کشورها، احزاب و... بدون توجه به گرایش‌ها، سلیقه‌ها و اختلافات فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی روی آنها اتفاق نظر دارند.

ج) منابع تهدیدکننده امنیت ملی:

تهدید^۱ مفهومی انتزاعی است که در هم‌تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. لذا هر جا که موضوع امنیت و امنیت ملی مورد مذاقه قرار می‌گیرد، حتماً از تهدید نیز سخن به میان می‌آید. تهدید در لغت به معنای بیم‌دادن، ترساندن و عقوبت دادن است. از نظر باری بوزان مفهوم تهدید آن است که متوجه امنیت و منافع ملی می‌گردد. به عبارت دیگر تهدید پدیده‌ایست که می‌تواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد. ریچارد اولمان نیز می‌گوید: «تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا یک سلسله حوادث است که با طی زمانی کم و بیش کوتاه کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را شدیداً به خطر اندازد یا اینکه دامنه اختیار یک حکومت یا یک کشور یا واحدهای خصوصی (افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها) را در انتخاب سیاست‌های مقتضی، به شدت محدود کند. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹) تهدیدها به انواع داخلی، خارجی و تهدیدات فراملی قابل تقسیم هستند.

۱- **تهدیدات داخلی:** تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های ملی، فقدان امنیت و ناامنی را در امنیت ملی یک کشور مورد توجه قرار می‌دهند. لذا جداسازی تأثیرات ملی از تهدیدها یا آسیب‌پذیری‌های ملی کاری دشوار و حتی ناممکن است. تهدیدهایی که می‌توانند امنیت داخلی کشورها را به چالش بکشند عبارتند از: نابرابری اقتصادی، تأثیرات فشارهای اقتصادی در جامعه، رشد بی‌رویه جمعیت و نتایجی از قبیل تورم، بیکاری، حاشیه‌نشینی و کمبود منابع و غیره، اقلیت‌های قومی و مذهبی، اختلاف نژادی، بحران‌های سیاسی - اجتماعی و... .

۲- **تهدیدات خارجی:** که شامل وجوهی به شرح زیر می‌باشد: جنگ و تهاجم نظامی، الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر، اشغال بدون درگیری، دخالت در امور داخلی کشور دیگر، براندازی، برهم خوردن توازن قوا، عملیات پنهان سیاسی، مناقشات بین‌المللی.

۳- **تهدیدات فراملی:** که بشریت را درگیر کرده و تهدیداتی همچون: بیماری‌های لاعلاج، مشکلات زیست محیطی، قحاق انسان، گروه‌های مافیایی، تروریسم بین‌المللی و... را شامل می‌شود و تلفات جانی و مالی آنان بسیار بیشتر از تهدیدات داخلی و خارجی است و ضرورت توجه جهانی را می‌طلبد. (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۶)

فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

ماهیت تهدیدات نظام سلطه و عیادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن در تقابل با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، پس از هشت سال جنگ-تحمیلی و خروج پیروزمندانه و ظفرمندانه ایران از این جنگ تحمیلی باعث شد تا غرب و در رأس آن آمریکای جنایتکار در مقابل ایران تغییر رویه داده و از جنگ سخت به جنگ نرم مبتنی بر القاء تفکرات ضداسلامی و ضدحکومتی در بین مردم و تضعیف پایه‌های اقتدار نظام (مقبولیت و مشروعیت) تغییر یافته و جنگ ماهیتی فرهنگی بیابد و قاعدتاً آرایش و آمایش تقابلی و تدافعی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌بایستی به این عرصه یعنی جنگ نرم و فرهنگی گسیل گردد. ولیکن شرط عقلی و نیز شرعی ما که ملهم و برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی و سیره‌های علمی و عملی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری است، ما را ملزم می‌نماید که علیرغم توجه به تهدیدات نرم دشمنان، از تهدیدات سخت نیز غافل نگردیم. چرا که هرچند اقتدار نظام اسلامی ایران به اوج شکوه و عظمت خود رسیده و حمله نظامی به ایران متصور نیست، ولی حفظ آمادگی نظامی و کسب پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی در این حوزه (سخت/نظامی) بر اساس تعالیم کتاب الهی و آموزه‌های اسلامی، واجب شرعی و دینی و نیز وظیفه‌ای همگانی می‌باشد.

۱- مؤلفه‌های نظامی فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران:

تهدید سخت ۱ همان گونه که از نامش پیداست ماهیتی سخت‌افزاری داشته و عبارتست از اعمال قدرت نظامی برای تحمیل اراده و تأمین منافع، در این نوع از تهدید، هدف، اشغال سرزمین بوده و ابزارش متکی بر روش‌های فیزیکی، عینی و سخت‌افزارانه است (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

این نوع از تهدید جنبه‌ای خشونت‌آمیز و به منظور براندازی، اشغال و الحاق سرزمین و یا تجزیه سرزمین می‌باشد. منبع تهدید سخت، تعارض منافع بازیگران، تعارضات ژئوپلیتیکی و مرزی می‌باشد. پیامدهای تهدید سخت غالباً به شکل برهم خوردن توازن قوا و نیز تضعیف نیروهای مسلح، تسخیر سرزمینی، تخریب زیربناها و منابع و... خود را نشان می‌دهد.

تهدید نظامی و سخت برای ایران، تهدید غریب و جدیدی نیست و در حافظه تاریخی مردم ایران، این امر بسیار نمود داشته و حتی بارها نیز به عینیت نیز رسیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سلطه به منظور ساقط نمودن حکومت، تجزیه سرزمین، غارت منابع و... جنگی خانمانسوز را بر علیه ایران توسط عنصر خود یعنی صدام حسین بعثی به راه انداختند که این جنگ، هشت سال به طول انجامید و در نهایت پیروز این کارزار مردم ایران بودند که با صلابت و ایثار خود، خاک خود را با خون خویش، حفظ نموده و نه تنها، تجزیه سرزمینی و تضعیف حاکمیت محقق نشد، بلکه باعث تقویت نظام مقدس و تقدس حاکمیت نیز گردید و از ایران اسلامی در اذهان جهانیان (دوست و دشمن) الگو و سمبلی از شجاعت، کرامت و عزت نفس ارائه داد و...

لزوم حفظ آمادگی رزمی

واضح و مبرهن است که داشتن آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان آشکار و نهان یک اصل حیاتی است که مسلمانان در هر موقعیت و زمان باید آن را جدی گرفته و در حد اعلای توان در کسب و حفظ آن بکوشند. آیات متعددی در قرآن کریم مبنی بر دستور به حفظ آمادگی و فراهم کردن وسایل مبارزه موجود می‌باشد که در آن مسلمین و مؤمنین را نه تنها در بُعد نرم‌افزاری (عقیده و ایمان) بلکه در بُعد سخت‌افزاری و تجهیزاتی امر فرموده و آنان را ترغیب می‌کند که در هر عصر و زمانه‌ای که هستند، از علوم و فنون و تکنولوژی‌های نظامی روز خود را بهره‌مند سازند. این امر در آیه ۶۰ سوره انفال، به صورت واضحی بدون نیاز به تعبیر و تفسیر برای فهم عامه مورد اشاره قرار گرفته است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلُمُونَ». هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید! و همچنین اسب‌های ورزیده (برای

میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! (و همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!

این آمادگی رزمی نه تنها در جنبه‌های تجهیزاتی و وسایل، بلکه در آمادگی جسمانی و معنوی، علمی و فنی، اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی، اقتصادی و تبلیغاتی سرایت و تسری دارد. آموزه‌های اسلامی در جهت تداوم امنیت و اقتدار مسلمانان حتی از ابعاد روانشناختی نیز غافل نشده و به منظور ممانعت از تجاوز به سرزمین‌ها و بلاد اسلامی، برگزاری برنامه‌های نمایش قدرت همچون مانورهای نظامی (کسب پرستیژ) را در دستور کار قرار داده است. این تعالیم آمادگی روحی و روانی را نیز مدنظر قرار داده و اعتماد به نفس و امید به آینده را به عنوان یکی از مهمترین سازوکارهای اصلی در جهت تقابل با دشمنان، قلمداد می‌کند. چراکه آنچه در میدان کارزار، سرنوشت را مشخص می‌کند، ابتدا روحیه و حس اعتماد به نفس سربازان و سپاهیان است و در وهله دوم تجهیزات و امکانات.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بهره فکری‌ای که از آموزه‌های اسلام دارند، مدیریت و راهبری نظامی جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از این تعالیم و حیانی، این گونه تبیین می‌نمایند: «خصوصیتی که باید نیروهای مسلح ما به آن توجه داشته باشند، خوشبختانه توجه هم کرده‌اند و این کاملاً آشکار است، مسئله عمل به آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» است. معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید، که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما خسارت اسلام است (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۰۱/۳۰).

«خودتان را مجهز و آماده کنید؛ هم از لحاظ آمادگی علمی و فنی، هم از لحاظ آمادگی سازمانی و انضباطی، و هم از لحاظ آمادگی ایمانی و عقیدتی و روحی که این پشتوانه همه آنها است (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۵/۰۷/۰۷).

آنچه من تأکید می‌کنم این است که پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه بدهد؛ دشمنان ما این را نمی‌خواهند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۰۱/۳۰).

لزوم ارتقاء توانمندی‌های نظامی

همان گونه که قبلاً اشاره شد، دشمنان در اتاق‌های فکر خود همواره در حال اندیشیدن در رابطه با راه کارهای تضعیف پایه‌های اقتدار و قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، نظام سلطه که توان، جرأت، جسارت و شهامت حمله نظامی به ایران را در خود نمی‌بیند، در جهت تضعیف منابع قدرت ایران، نقاط قوت را نشانه رفته و با حيله و خدعه در تلاشند این منابع را تضعیف و تحلیل برند. بدین جهت با بهانه‌های واهی و کذب عرصه‌های موفقیت ایران در بُعد نظامی را تهدید و سرزنش می‌کنند، تا از این رهگذر، بتوانند استیلای خود را بر ایران اسلامی به انجام برسانند. در این راستا، به عنوان نمونه می‌توان به فعالیت‌ها و برنامه‌های مدون غرب (به ویژه آمریکا و اسرائیل) در جهت تضعیف و حتی توقف فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های موشکی، پدافندی و... اشاره داشت. بدین منظور دشمنان تحریم‌های سختی را بر اقتصاد ایران تحمیل می‌کنند و در شواهد رسانه‌ای و با هیاهو سالاری، توانایی موشکی ما را محکوم می‌نمایند؛ چرا که می‌دانند هرگونه تجاوزی به ایران اسلامی با جوابی دندان شکنانه از سوی ملت ایران و نیروهای مسلح (ارتش و سپاه و بسیج...) جواب داده می‌شود و از سوی دیگر همواره خود را در تیررس موشک‌های سهمگین و رعدآسای جمهوری اسلامی ایران دانسته و هیچ مأمن و پناهگاهی ایمن برای خود متصور نیستند. رهبر انقلاب در این باره با بیانی شیوا می‌گویند: «امروز یکی از ابزارهای فشار تبلیغاتی بر جمهوری اسلامی همین مسئله است - مسئله موشک‌ها، مسئله پهپادها، مسئله امکانات نظامی و همین چیزهایی که با هنر جوانان ما در داخل کشور بدون کمک گرفتن از این و آن به وجود آمده است - می‌خواهند این نباشد، می‌خواهند این را متوقف کنند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۰۱/۳۰).

«اگر کسی نسبت به جمهوری اسلامی ایران حماقتی بکند، جواب عملی جمهوری اسلامی ایران، جواب دندان شکن خواهد بود (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (ع)، ۱۳۸۷/۰۴/۲۶).

خود دشمنان هم می‌دانند که حمله نظامی به ایران، به این ملت بزرگ، به ملتی که این همه جوان مبارز و زنده و آماده در صحنه دارد، خودکشی مهاجم است (بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴).

قدرت موشکی و نظامی ایران همواره به مثابه خاری در چشم دشمنان بوده است، این توانایی و قابلیت نظامی ایران اسلامی که ملازم و همراه با قدرت معنوی و روحیه سلحشوری نیروهای مسلح و حتی عامه مردم است، توانسته است سپر و جوشنی مستحکم در برابر متجاوزین به خاک و شرف این سرزمین تشکیل دهد. از سویی برخی محدود از فریب‌خوردگان و ساده‌لوحان و منافقین، ضمن هم‌صدایی با ساز دشمنان، این نقطه قوت و صلابت را بر نتابیده و خواستار تضعیف و تحدید آن هستند. رهبر عظمای انقلاب اسلامی فریب‌خوردگان داخلی و اربابان خارجیشان را این گونه خطاب قرار می‌دهند: «اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند "فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست" این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خُب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور (چنین چیزی) ممکن است؟ اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و (هر) دولت فزرتی کذائی‌ای او را تهدید می‌کند که اگر فلان کار را نکرده‌ای، ما موشک می‌زنیم؛ خُب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید. قدرتهای دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاح‌هایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفت‌های موشکی خودش را نشان می‌دهد، نه فقط مایه افتخار و مباهات ایرانی‌ها (است، بلکه) وقتی این موشک‌های سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می‌شود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دُروبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال می‌شوند. وقتی این‌ها انجام می‌گیرد، ما بیاییم اینها را بگوییم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود است، (بعد) ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه. مثل اول انقلاب که همین اف‌چهارده‌های ما را می‌خواستند بفرشند و می‌خواستند پس بدهند و بنده نگذاشتیم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت موقت آن روز گفته است این اف‌چهارده‌هایی که رژیم طاغوت خریده به درد ما نمی‌خورد، می‌خواهیم چه کار کنیم این اف‌چهارده‌ها را! پس بدهیم بهشان. آنجا خب ما ایستادیم، هیاوه کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرأت نکردند این کار را بکنند؛ می‌خواستند پس بدهند. چند صباح بعدش، جنگ ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسایلی که داریم؛ همین اف‌چهارده و همین اف‌چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک می‌خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟ (امروز) روزگار همه چیز است (بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱).

همان‌گونه که از بیانات معظم‌له پیداست، برخی از همان ساده‌لوحان و فریب‌خوردگان نظام استکبار، با ادعاهایی واهی و سطحی‌نگرانه و بدون تفکر و تأمل در ماهیت دشمنی غرب با ایران، هم‌صدای دشمنان انقلاب اسلامی، خواستار برگزاری مذاکره با سران استکبار در رابطه با توانایی‌های نظامی ایران هستند و یا معتقدند که در راه کاهش تخاصمات و مشکلات با غرب، از دیپلماسی و مذاکره استفاده گردد. ولیکن اینان و یاهوگویان غربی نباید سابقه‌های زشت و کریه خود را در دیپلماسی‌های گذشته از یاد ببرند، چراکه اینان هیچ‌گاه بر عهد خود استوار نبوده و نیستند. قرآن کریم این وحی مُنزل الهی، قریب به ۱۴۰۰ سال پیش این پیمان‌شکنان را چنین تعریف می‌کند: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنْ آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یوری نخواهی داشت (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۰). گویا این بدعهدی و پیمان‌شکنی غرب، سابقه‌ای به قدمت عمر بشریت دارد که خداوند متعال نیز هیچگاه نسبت به آنان و پیمان‌شان امیدوار نیست.

دیپلماسی و مذاکره بر سر اقتدار و عزت و شرف این ملت هیچگاه مورد پذیرش و قبول نبوده و نخواهد بود، چرا که این مذاکره و این میز دیپلماسی برای ایران اسلامی، نتیجه‌ای جز خُسران، نابودی و تسلیم در پی نخواهد داشت. و این مسأله خواسته تمامی مردم، نظامیان و سران مملکت و حکومت است که به عنوان نمونه می‌توان به سخنان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (امیرسرتیپ امیر حاتمی) استناد نمود که ضمن اشاره به قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران عنوان داشتند: «قدرت دفاعی و موشکی ایران روز به روز افزایش پیدا خواهد کرد و به هیچ وجه قابل مذاکره نخواهد بود. قدرت دفاعی ما متعلق به ملت ایران است و تا جایی که بتوانیم آن را افزایش خواهیم داد و از کسی ترسی نداریم» (۱۳۹۶/۰۸/۱۶).

۲- ابعاد امنیتی فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

تردیدی نیست که امنیت^۱ به عنوان نخستین و مهمترین نیاز فردی و اجتماعی و عامل رشد، توسعه و بالندگی محسوب می‌گردد. طراحی، تدوین و اجراء طرح‌ها و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و... در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و جهانی وابسته به وجود امنیت است. برقراری، حفظ و ارتقاء امنیت از مهمترین وظایف حکومت‌ها و بلکه هدف اصلی از تشکیل حکومت می‌باشد. چنان‌که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در رابطه با جایگاه و اهمیت امنیت می‌فرماید: «امنیت نعمت بزرگی است، در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه‌ای، زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است... شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه اول "امنیت" است» بیانات در دیدار با سپاهیان و بسیجیان در مشهد مقدس، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰.

امنیت در اصطلاح به معنای آزادی و رهایی از ترس و خطر و احساس ایمنی از هرگونه تهدید است و از ریشه واژه «امن» به معنی آرامش، اطمینان و آسایش گرفته شده است (سیاح، ۱۳۶۵: ۵۱). علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد، در فرهنگ علوم سیاسی، امنیت را اینگونه تعریف کرده‌اند: «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت، و دورماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع؛ و وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۷۹: ۵۲۷).

امنیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی آدمی و بلکه اساسی‌ترین دغدغه انسان از بدو هبوط به زمین تا کنون می‌باشد. آنجاکه مولای-مستقیان، علی (ع) می‌فرمایند: «النعمتان مجهولتان، الصحة و الامان» دو نعمت ناشناخته‌اند و تا از دست نروند آشکار نمی‌شوند. سلامتی و امنیت! از این سخن حکیمانه امام علی (ع) می‌توان به جایگاه امنیت در نظام فکری و معرفتی دین اسلام پی برد؛ چرا که از منظر اسلام و تعالیم دینی، برخورداری از امنیت، موجب فراهم آمدن دیگر مواهب الهی و نیز نیل به حیات و تکامل می‌شود؛ رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز موهبت امنیت را این‌چنین تبیین می‌کنند: «اگر باید انسان برای انتخاب راه زندگی و تحصیل، هدفی را در میان هدف‌های مهم گزینش کند، بدون تردید هدفی که شما گزینش کردید، یکی از برترین و بهترین هدف‌هاست. و باید این توفیق را قدر بدانید و خدای متعال را شکر بگوئید و به خود ببالید؛ زیرا مقوله امنیت، یک مقوله بسیار مهم و استثنائی است. شما ببینید خداوند در قرآن کریم- «و امنهم من خوف»- یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خود را نعمت امنیت به شمار می‌آورد و آن را به رخ آن مردمی که مخاطب این معنا بودند، می‌کشد (بیانات در هفدهمین دوره دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

امنیت دارای ابعاد و اقسامی است که همگی آنها بر حول یک محور یعنی حس رهایی و دوری از ترس قرار دارند. امنیت دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی می‌باشد و از لحاظ گستره نیز شامل حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است، در مجموع می‌توان ابعاد امنیت را به گونه‌های زیر تقسیم نمود:

امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند.

امنیت اجتماعی: نیز حالت فراغت همگانی از تهدید است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمامی یا در بخشی از جامعه پدید آورده.

امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد.

امنیت بین‌المللی: نیز حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجد در خطر نیفتد (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۸).

یکی دیگر از ابعاد امنیت که در اینجا بیشتر مدنظر ماست، امنیت عمومی است که در حوزه سخت افزاری (جنگ، تهاجم نظامی، تحریم، شورش، انقلاب و...) قابل بحث می‌باشد.

از نگاه برخی اندیشمندان و نظریه‌پردازان امنیت دارای دو وجهه می‌باشد: ۱- وجه خاص: بدین معناست که اگر منظور و مقصود از امنیت حفاظت و صیانت از کشور و ارکان آن باشد و یا به اصطلاح «حفظ وجود خود» باشد؛ این امنیت دارای چهار ارزش و الگو است که عبارتند از:

الف: حفظ جان مردم؛

ب: حفظ تمامیت ارضی؛

ج: حفظ سیستم سیاسی و اقتصادی؛
د: حفظ استقلال و حاکمیت کشور.

۲-وجه عام: که به معنای عدم ترس و هراس، اطمینان و اعتماد به آینده، و نیز دوری از گزند و مخاطرات و تهدیدها(بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

همان گونه که در خلال مطالب عنوان شد، انقلاب اسلامی ایران همواره از سوی دشمنان مورد تهدید بوده است و این تهدید در ابعاد گوناگون و سطوح مختلفی قرار دارد، چرا که انقلاب اسلامی ایران و اصول و مبانی و اهداف آن مورد پذیرش برخی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نبوده و نیست. لذا این دشمنان که از اصول انقلاب اسلامی(صدور انقلاب، نفی سلطه، استقلال خواهی و هویت طلبی) در هراس بوده‌اند، از همان بدو پیروزی انقلاب عَلم مخالفت و مبارزه با آنرا برداشته و دراین مبارزه هر نوع اقدامی که متصور باشد را عملی کرده‌اند که می‌توان از مواردی همچون کودتا، تحریم اقتصادی، محاصره اقتصادی، جنگ، ترور، تجزیه طلبی و جنگ نرم، عملیات روانی، فتنه و... یاد کرد.

در رابطه با تهدیداتی که بر علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و می‌گیرد، ذکر این نکته واجب است که در شرایط کنونی و با توجه به مؤلفه‌های اقتدار کشور ایران، تهدیدات از نوع سخت(خطر و تهدید بر علیه تمامیت ارضی و استقلال کشور و بر اساس تهاجم نظامی) به تهدید نرم(تهدید ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در یک کلام تهدید هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری) تغییر ماهیت داده است؛ هرچند ماهیت تهدید تغییر یافته است، ولیکن ماهیت دشمن ثابت مانده و حتی استوارتر نیز شده‌است؛ چرا که هویت دشمن، همان دشمنی - است اما در لباسی دیگر و شکلی دیگر که بسیار سخت‌تر، مشکل‌تر و پیچیده‌تر از تهدید سخت و نظامی دشمن می‌باشد. مقام معظم رهبری درباره تغییر ماهیت تهدیدات و نیز لزوم آمادگی برای مقابله با آن می‌فرمایند: «امروز تهدید، آن تهدید نیست، شکل‌ها و انواع تهدیدها و وظائف، در طول زمان تغییر پیدا می‌کند؛ اما روح مسأله، یکی است... نفس آمادگی و هوشیاری و حساس بودن یک ملت در قبال شرایط، می‌تواند او را از بسیاری از آسیب‌ها محفوظ نگه دارد. ملت‌ها چوب غفلت‌های خود را می‌خورند»(بیانات در دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰/۱۱/۱۸). ولیکن آنچه مبرهن و هویداست این است که انقلاب اسلامی از خلال این اقدامات و تهدیدات(سخت و نرم) که تاکنون بر علیه آن صورت گرفته است، نه تنها تضعیف و تحلیل نرفته، بلکه این دسایس و خدعه‌ها، خود به مثابه واکسن و پادزهری برای استمرار نظام مقدس بوده‌اند.

مؤلفه‌های امنیت ملی

حفظ، استقرار و استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و نیز اقتدار و صلابت منوط و وابسته به مؤلفه‌های متعددی است، رعایت و تقویت هر کدام از این مؤلفه‌های متکثر، ساختار و انسجام امنیت ملی ایران را توسعه بخشیده و در یک کلام اقتدار کشتی انقلاب را در دریای مطالام تهدیدها و چالش‌ها، استوار و پویا فراهم می‌سازد. به منظور رعایت اختصار برخی از عناوین و مؤلفه‌های بنیادی امنیت ملی ایران را به شرح زیر می‌آوریم:

- خودکفایی و استقلال اقتصادی
- اتحاد و همبستگی ملی
- قدرت دفاعی و نظامی
- رهبری و ولایت فقیه

اگر خوب به مسائل بین‌المللی و جهانی بنگریم و اصل انصاف را رعایت کنیم، مشاهده می‌کنیم که در تمام دنیا، هیچ کشوری امنیت ایران اسلامی را ندارد؛ آن‌هم در شرایط و منطقه‌ای که مملو از ترور، بمب‌گذاری، خشونت، جنگ و... است و نکته بارز و مهم این است که این - همه خشونت، صرفاً به خاطر ایران و درجهت تضعیف اقتدار ایران و هم‌پیمانان آن است که صورت می‌گیرد. تمام نظام سلطه و ایادانش در منطقه که شامل رژیم صهیونیستی و برخی دول مرتجع عربی هستند، در یک تیم واحد و منسجم بر علیه یگانه قدرت شیعی و الهی جهان صف‌آرایی کرده‌اند؛ ولیکن نتیجه چیست؟ نتیجه این است که ایران اسلامی، مقتدر و پابرجا، باصلابت و شکوه، با عزت و افتخار، در جلوی آنها قرار گرفته و تمام حربه‌ها و نیرنگ‌های آنان را نقش بر آب می‌کند و ایران اسلامی را در جهان وحشت و خشونت، به عنوان جزیره ثبات و امنیت، به مثابه کشتی بزرگی در اقیانوسی مواج، به جهانیان معرفی می‌نماید. این نمایش غرور و عزت خود خواسته مردم ایران، به چشم دشمنان همچون خاری تیز آمده و اینان یارای دیدن انوار ساطع آن را ندارند؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با سپر محکم امنیتی جمهوری-

اسلامی ایران در فرازی از بیانات خود این گونه می‌فرماید: «بحمدالله کشور امروز یک سپر امنیتی محکمی دارد. خب شما نگاه کنید، دُروبر ما ببینید چه خبر است. شرق ما افغانستان است و آن حوادث و پاکستان و (اینها)، غرب ما این کشورهای همسایه عربی و عراق و سوریه و یمن و این حوادثی که در این منطقه غرب آسیا در جریان است و حوادثی که پیرامون ما در لیبی و مثلاً مصر و بقیه جاها هست، وقتی انسان اینها را نگاه می‌کند، می‌فهمد که چه قدر نعمت بزرگی است این امنیتی که امروز ما بحمدالله داریم. این سپر امنیتی، خوشبختانه کشور را فراگرفته که از این آسیب‌های امنیتی محفوظ است. مردم راحت زندگی می‌کنند از لحاظ امنیت، به نظر من یکی از چیزهایی که خوب است مسئولین محترم در صحبت‌هایشان با مردم درمیان بگذارند که مردم یادشان بیاید-چون «نعمتان مجهولتان الصَّحَّة و الامان»، مجهول است-یکی «امان» است. تا امان هست، کسی ملتفت نیست که امنیت هست. از خانه تا محل کسبت می‌خواهی بروی، ناامن باشد؛ تا مدرسه می‌روی، ناامن باشد؛ دانشگاه، ناامن باشد؛ از این شهر به آن شهر، ناامن باشد؛ الحمدالله امروز امنیت در کشور وجود دارد و این به‌خاطر زحمات نیروهای نظامی ما و نیروهای امنیتی ما است؛ باید واقعاً از اینها تشکر کرد و اینها را تقویت کرد(بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

برخورداری از موهبت امنیت موجبات پیدایش حس آرامش، تلاش و کوشش برای آینده، القاء حس اعتماد به نفس و امید و... می‌گردد؛ رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در این راستا می‌فرماید: «امروز متأسفانه دنیای اسلام از وحدت محروم است، دچار مشکلات و دچار درگیری است. وقتی آشفتگی به میان آمد، وقتی درگیری میان مسلمان‌ها به‌وجود آمد، معنویت هم کم می‌شود. معنویت و ایمان، طبق منطق قرآن تا حدود زیادی به آرامش احتیاج دارد؛ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْدَادُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ وقتی سکینه بود، وقتی آرامش بود، نوبت می‌رسد به اینکه انسان‌ها بر ایمان خود بیفزایند؛ با عمل صالح، با توجه، با ذکر. وقتی در یک کشور اسلامی و در یک مجموعه اسلامی، مردم بر جان خود، بر مال خود، بر امنیت خود بیم دارند و مأمون نیستند، امنیت ندارند، آنجا سکینه هم وجود ندارد؛ سکینه که نبود، این ازدیاد ایمان هم وجود ندارد؛ امروز مسلمانها دچار این وضعیّتند(بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۵/۰۴/۱۶).

امنیت و آسایش کنونی این کشور آسان به دست نیامده است، آن‌هم در محیط متشنج و به‌هم ریخته‌ای مثل جنوب غرب آسیا(خاورمیانه) و آن‌هم در شرایطی که تمام نظام سلطه و تمام یاران آن دهانشان را دریده‌اند و می‌خواهند لقمه‌ای از این انقلاب را ببلعند؛ این انقلاب و این امنیت و آسایش مرهون کسانی است که امنیت و آسایش خود را به‌خطر انداخته و با بذل جان خود، آسایش مردم را تأمین می‌کنند، این افراد همگی با ایثار و از خودگذشتگی با لباس‌هایی به رنگ پرچم ایران، خود را سپر بلای هموطنان و هم‌کیشان خود نموده‌اند، اینان با عزمی راسخ و قلبی آکنده به‌عشق به میهن، خطر را بر عافیت ترجیح داده و با نام ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بسیج، سپاه قدس و... دامن این خاک را از لوث هر ناپاکی و شرارت به دور داشته‌اند و به عشق اسلام و قرآن و میهن، بلا را بر بقاء ترجیح داده و ریختن خون خود را باعث حفظ خون ملت و مؤمنان می‌دانند. مقام‌معظم‌رهبری در رابطه با نقش و وظیفه نیروهای مسلح در تأمین آسایش مردم این گونه می‌فرماید: آنچه برای نیروهای مسلح مهم است، این احساس است که آنها مدافعان امنیت ملی این کشورند(بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان- کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۵).

«نیروهای مسلح-هم‌چنان که در بیان امیرالمؤمنین علی(ع) هست-حصارند؛ حصن و حصار برکشیده در پیرامون یک ملت و یک کشورند. حصار همیشه بایستی پابرجا باشد، حصار باید رخنه پیدا نکند؛ لذا نیروهای مسلح همیشه بایستی استواری خودشان را حفظ کنند. در داخل حصار، حوادث و شرایط گوناگونی پیش می‌آید؛ یک عده خوابند، یک عده بیدارند، یک عده دعا می‌کنند، یک عده مشغول عروسی‌اند، یک عده مشغول عزایند؛ اما این حصار باید در همه این احوالات مستحکم باقی بماند. با این چشم به نیروهای مسلح نگاه کنید. این استحکام باید دائم باقی باشد. اگر این استحکام بود، اگر نگهبانانی که بر روی حصار دارند نگهبانی می‌دهند، دائم هشیار بودند، مراقب بودند، حرکات دشمن را رصد کردند، از هیچ نقطه‌ای غافل نشدند، امنیت داخل حصار محفوظ خواهد بود؛ در سایه آن امنیت، مردم به دین و دنیا می‌توانند برسند؛ که اگر امنیت نبود، نمی‌توانند. پس پرداختن به استحکام نیروهای مسلح، یک اصل دینی غیرقابل اغماض است. همه بایستی مراقب باشند، خود نیروهای مسلح هم باید مراقب باشند، دولت‌ها هم باید حواسشان باشد، مردم هم باید حمایت کنند؛ این حصار بایستی مستحکم باشد. در همه احوال، هر اتفاقی در داخل رخ می‌دهد، حصار نیروهای مسلح باید محفوظ باشد. خوب، این تشبیه معقول به محسوس است. حصار در هر جا یک معنایی دارد. شما حصارید؛ ارتش یک‌جور حصار است، سپاه یک‌جور حصار است، بسیج یک‌جور حصار است، نیروی انتظامی یک‌جور حصار است، حفاظت اطلاعات یک‌جور حصار است؛ هرکدام در آن وظیفه‌های تعیین شده و تعریف شده خودشان بایستی آن جنبه حصاربودن خودشان و لزوم استحکام این حصار را مراعات کنند و نگه‌دارند(بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی، ۱۳۸۹/۰۱/۲۲).

۳- کاربست دیپلماسی دفاعی - نظامی در فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

ماهیت ارزش‌گرا و اخلاق محور ج.ا.ایران باعث بوجود آمدن تقابلی میان آن و دولت‌های مدافع ارزش‌های مسلط نظام بین‌المللی شده که حداقل تا همین اواخر ارزش‌های غربی بود. این تقابل از ابتدای عمر جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و در هر دوره اشکال مختلفی به خود گرفته است. هر دو طرف، متناسب با شرایط، سیاست‌ها و روش‌هایی برای مقابله با طرف مقابل به کار گرفته‌اند. در برابر تحریم و فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی از سوی غرب به عنوان مدافع ارزش‌های مسلط سکولار نظام بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران از سیاست صدور انقلاب، تنش‌زدایی و طرح نقاط آسیب‌پذیر غرب در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی بهره گرفته است.

در دیپلماسی به شکل کلاسیک آن، تأمین امنیت از طریق مدیریت جنگ، حفظ صلح و فرآیند اتحاد و ائتلاف‌سازی صورت می‌گرفت؛ بدین گونه که دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی تلاش داشتند با برگزاری مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه با نمایندگان و دیپلمات‌های کشورهای دیگر در مسیر تأمین و تضمین امنیت، حفظ و استقرار صلح و... از وقوع جنگ جلوگیری به عمل آوردند. امروزه نیز به مثابه گذشته، حفظ صلح و امنیت از مهمترین وظایف و مسئولیت‌های دستگاه سیاست خارجی محسوب می‌گردد؛ ولیکن با تغییرات و تحولات نوین جهانی، حفظ صلح و امنیت صرفاً از طریق دیپلماسی (شکل کلاسیک آن) میسر نبوده و لاجرم می‌بایست به شکل جدیدی از دیپلماسی البته با حمایت نظامی روی آورد. این شکل جدید از تأمین امنیت را در اصطلاح «دیپلماسی دفاعی- نظامی» می‌نامند.

از واژه «دیپلماسی دفاعی - نظامی» متأسفانه تعریف جامعی وجود ندارد؛ ولیکن در تعریف «دیپلماسی دفاعی» که غالب آنها مبتنی بر مصادیق آن است، چنین آمده: «دیپلماسی دفاعی عبارت از انجام مذاکرات و دیگر روابط بین ارتش‌ها توسط دیپلمات‌های نظامی است که هدف از آن، تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند». و یا اینکه «دیپلماسی دفاعی عبارت است از فعالیت‌هایی مانند انجام گفت‌وگوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک و نظایر آن از سوی ارتش‌های کشورها» (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷).

از مجموع تعاریف بیان شده درباره دیپلماسی دفاعی می‌توان گفت که: «دیپلماسی دفاعی به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع برای تأمین مطلوب منافع و امنیت ملی است که به طور معمول از سوی سازمان‌های نظامی- دفاعی کشورها بدون کاربرد قدرت سخت با هدف افزایش سطح تعاملات همکاری‌جویانه و جایگزین کردن ثبات به جای تنش مورد توجه و پیگیری قرار می‌گیرد» (همان: ۱۸).

از تعاریف و مفاهیم بالا چنین برداشت می‌شود که دیپلماسی دفاعی- نظامی به معنای به کارگیری خشونت‌آمیز زور و قدرت نظامی در تعامل و تقابل با کشورهای دیگر نمی‌باشد. بلکه آن را می‌توان استفاده مسالمت‌آمیز از توان دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های نظامی و غیرنظامی سایر کشورهای منطقه با اهداف سیاست خارجی ایران جهت استقرار نظم و نظام امنیتی مطلوب و مناسب برای تأمین منابع ملی و کشور تعریف کرد (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

دیپلماسی دفاعی، به مثابه سازوکاری است که نقش مهمی در نیل به هدف‌های سیاست‌های امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند. هدف دیپلماسی دفاعی ایجاد شرایط سیاسی و ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه است. در جمهوری اسلامی ایران همکاری‌های دفاعی برآمده از چارچوب سیاست خارجی کشور است. سیاست خارجی، نوع و گستره همکاری‌های سیاسی و حتی اقتصادی و نظامی یک کشور با کشورهای دیگر را تعیین می‌کند. در چنین حالتی، اهداف دیپلماسی دفاعی، تابع اهداف کلی سیاست خارجی و زیرمجموعه آن است (ر.ک. روزنامه اطلاعات، سجاد عابدی، ۱۴ شهریورماه ۱۳۹۴). در جایی که سیاست خارجی برای تأمین امنیت و منافع یک کشور به حضور و عملکرد غیرمسلحانه و غیرقهری نهادها و ساختار نیروهای نظامی احتیاج دارد، دیپلماسی دفاعی وارد عمل می‌شود. حمایت از توسعه اقتصادی کشور مورد هدف، وارد شدن در اتحادهای منطقه‌ای، تشویق سایر دولتها به حمایت از ارزش‌ها و مواضع کشور، کمک نظامی به کشور هدف، کمک در خرید و فروش تسلیحات، آموزش نیروهای مسلح، برگزاری مانورهای مشترک، مبادله اطلاعات نظامی و دفاعی از جمله ابزارهایی هستند که دیپلماسی دفاعی می‌تواند برای تقویت، تعمیق یا بهبود روابط یک کشور با کشوری دیگر استفاده کند. به بیانی بهتر، دیپلماسی دفاعی، استفاده دیپلماتیک و غیرنظامی از نظامیان، نهادها و ساختارهای نظامی می‌باشد.

به کار بستن و اعمال «دیپلماسی دفاعی-نظامی» برای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان استفاده مسالمت‌آمیز از توان و قدرت نظامی و دفاعی آن در زمان صلح، مستلزم حیطه‌بندی مقدورات و محدودرات انقلاب اسلامی در دو سطح دوجانبه و چندجانبه از یک سو و در دو بُعد جغرافیایی یعنی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

در سطح دوجانبه از بُعد منطقه‌ای، دیپلماسی نظامی- دفاعی در قالب مذاکرات نظامی و دفاعی، برگزاری رزمایش‌های مشترک، مبادلات آموزشی و تخصصی نظامی -راهبردی، خرید و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی و دفاعی، مبادله فناوری‌های نظامی و دفاعی، همکاری‌های نظامی، دفاعی و امنیتی مشترک از طریق امضای تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های دوجانبه با کشورهای خاورمیانه تجلی و بلور می‌یابد (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۲۲). دلیل اصلی این امر آن است که اصلی‌ترین متحدان و دوستان جمهوری اسلامی ایران (متحدین: حزب‌الله، حماس، عراق، سوریه و شیعیان؛ دوستان: ترکیه، روسیه، پاکستان، عمان و...) در این منطقه واقع شده‌اند. مجموعه اقداماتی که آمریکا و متحدان آن برای کاهش نفوذ معنوی، سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهند، معطوف به این منطقه است. این منطقه هم شامل حوزه تمدن ایرانی و بنابراین عقبه فرهنگ و تمدن ایران می‌باشد و هم جایی است که ایدئولوژی و ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران بیشترین مقبولیت را در آن دارد. هم‌پوشانی این دو نفوذ تاریخی فرهنگی و ایدئولوژیک باعث شده‌است حتی مخالفان و رقبای ایران در منطقه به نفوذ ایران در منطقه اذعان کنند. درست به همین دلیل، بخشی از آنچه جنگ نرم نامیده می‌شود معطوف به کاهش نفوذ ایران در منطقه از روش‌هایی مانند ایجاد ایران‌هراسی می‌باشد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۲۰۶).

در سال‌های اخیر و پس از پیدایش تروریسم تکفیری بالأخص داعش در منطقه، و تهدیدات و مخاطراتی که این فرزند نامشروع غرب و سلطنت برای کشورهای منطقه به وجود آورد، جمهوری اسلامی ایران، با تیزبینی و عمل به موقع توانست با همکاری و همیاری متحدین و مؤتلفین منطقه‌ای خود (روسیه، سوریه و عراق) با اعمال صحیح دیپلماسی دفاعی - نظامی و نیز پایمردی و رشادت نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه قدس- این فتنه منحوس را رفع کرده و آن را ساقط نمایند. با این وجود، جمهوری اسلامی ایران در این رابطه یعنی گسترش روابط دوجانبه منطقه‌ای در بُعد دیپلماسی دفاعی- نظامی (بخش مورد اخیر یعنی مبارزه با تروریسم تکفیری داعش)، نتوانسته است به خوبی بهره برده و آن را بسط دهد. به‌طوری که همکاری‌های دفاعی نظامی ایران با کشورهای منطقه بسیار محدود است. مهمترین علت و دلیل را می‌توان در درجه اول ناشی از امواج مخرب ایران‌هراسی (ایران‌فوبیا) ساطع شده از سوی آمریکا و صهیونیسم و نیز ساده لوحی و حماقت رژیم‌های مرتجع عربی در منطقه و در درجه دوم ناشی از عدم موفقیت دیپلماسی ایران در جلب اعتماد و رفع نگرانی‌های امنیتی- دفاعی کشورهای منطقه دانست.

در سطح چندجانبه از دیپلماسی دفاعی- نظامی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه نیز در چارچوب همکاری و هماهنگی، اقدامات و سیاست‌های مشترک نظامی به صورت زیر تحقق پذیر است: همکاری در جهت ایجاد ترتیبات امنیتی و دفاعی منطقه‌ای، برقراری نظم امنیتی منطقه‌ای، مدیریت مشترک بحران‌ها و حل و فصل مناقشات منطقه‌ای، تأسیس پیمان‌های دفاعی امنیتی مشترک، تلاش برای ایجاد جامعه امنیتی منطقه‌ای جهت پیشگیری و جلوگیری از بروز منازعات منطقه‌ای، مشارکت در عملیات صلح‌بانی، و صلح‌سازی در سطح منطقه، برگزاری رزمایش‌های مشترک با کشورهای منطقه، همکاری‌های چندجانبه جهت مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و نیز پیوند زدن امنیت ایران به امنیت سایر کشورهای منطقه و جهان و... (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

در قرآن کریم، آیات متعددی در رابطه با ایجاد و برقراری روابط و مناسبات برادرانه با کشورهای اسلامی، به خصوص در جهت کاهش مخاصمت و تنش‌ها از یک سو و بهبود و گسترش ارتباطات با کشورهای غیرمسلمان از سوی دیگر، وجود دارد که در ذیل صرفاً به دو مورد از آیات مذکور اشاره می‌نماییم:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَجَاتِلُوا آلِيَّ تَبَغَّىٰ حَتَّىٰ تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (سوره مبارکه حجرات، آیه ۹)؛ و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد..

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (سوره مبارکه ممتحنه، آیه ۸)؛ خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.

تعالیمی که در قرآن کریم برای هدایت و رهنمون ما نازل شده است، در این مورد (اولویت‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران) نیز راهگشا بوده و با تأسی از آنها و نیز بصیرت و آگاهی نسبت به کانون‌های تهدیدی نظام و همچنین مقابله با قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی نظام سلطه، قادر خواهیم بود امنیت و مصونیت خود را توسعه بخشیم.

مقام معظم رهبری با استناد به آیات قرآن کریم و نیز بهره از آموزه‌های اسلامی، اساس دستگاه سیاست‌ خارجی و اصول آن را این‌گونه تبیین می‌کنند: «ملت ایران ملتی است مستقل، آزاد، هوشمند و به‌شدت به هویت ملی و اسلامی خود علاقه‌مند؛ از هرگونه تهدیدی به‌شدت بیزار و متنفر و غیرپذیرای دخالت خارجی‌ها و سلطه بیگانه؛ ملتی آقا و عزتمند که هرکس با این ملت از در صلح و مسالمت و دوستی و تعامل معمولی وارد شود، با ملتی خوب، پذیرا و علاقه‌مند روبه‌رو می‌شود؛ اما اگر کسی بخواهد به این ملت زور بگوید، تهدید کند، قصد سلطه بر آن را داشته باشد و دائم جنگ و دندان به آن نشان دهد، معلوم است که این ملت، ملتی نیست که زیر بار کسی برود» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸).

حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای به تأسی از بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران- حضرت امام خمینی(ره) - جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کشور را با سایر دولت‌ها و ملت‌ها در مقابل دولت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا، این‌چنین به‌صراحت می‌فرماید: «ایجاد روابط سالم دوستانه با دولت‌ها؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به ما یاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم می‌تواند و باید از روابط سالمی با دولت‌ها برخوردار شود. البته رابطه با آمریکا مردود است؛ به سبب اینکه آمریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضة و محاربه است. ارتباط با رژیم صهیونیستی... مردود است؛ اما رابطه با بقیه دولت‌ها بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل بر ایجاد ارتباط است» (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، ۱۳۷۱/۰۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد به تبیین و تشریح نظریات و ایدئولوژی‌های دفاعی شاگرد راستین و جانشین شایسته بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، یعنی حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در بحث مهم و پر اهمیت فرهنگ دفاعی و دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. همانگونه که قبلاً اشاره گردید، معظم‌له نسبت به تمامی مسائل و موارد ملی، منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی اشرافیت کامل داشته که این مهم به صورت واضحی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با رویکردی واقع‌بینانه ارائه شده است. و لذا تبیین و تدقیق در اندیشه ایشان بدون دستیابی به مبانی و منابع معرفتی وی، مقدور و میسر نیست. منابع فکری معظم‌له در حوزه دفاعی و نظامی در چهار شاخه کلی قابل درک و استناد است که عبارتند از: آیات قرآن کریم، روایات و احادیث دینی؛ سیره علمی و معرفتی رسول اکرم(ص) و ائمه معصومین(علیهم‌السلام)؛ آموزه‌ها و تعالیم علمی و عملی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خمینی(ره) و در نهایت تجارب علمی و عملی شخصی و منابع اشراف اطلاعاتی ایشان.

از غور و تأمل در کلام و آثار مقام معظم رهبری می‌توان به این نتیجه رسید که معظم‌له، بزرگترین دغدغه و چالش خود و نظام را در مواجهه با نظام سلطه و استکبار دانسته و تنها راه حفظ، استقرار و پایداری انقلاب اسلامی را آگاهی، بصیرت و هوشیاری آحاد مسلمین می‌داند. ایشان با ارائه یک نقشه راه مبسوط و فراگیر در قالب بیانیه گام دوم انقلاب، نسبت به همه تهدیدها و چالش‌های جهان اسلام بالأخص ایران اسلامی، روشنگری نموده و به منظور حفظ اسلام و ایران، راهکارهایی درخور و شایسته نیز ارائه داده‌اند. معظم‌له با هوش و بصیرت خاصه خود، به دشمن‌شناسی و تهدیدشناسی در عرصه‌های گوناگون و متنوع پرداخته و در مجموع و به‌صورت کلی، دو حوزه را از هم تفکیک نموده‌اند: حوزه نرم و حوزه سخت.

از منظر معظم‌له هم اکنون و با توجه به اقتدار و شکوه انقلاب اسلامی ایران و توانمندی‌های نظامی و دفاعی این انقلاب، فکر تهاجم نظامی و جنگ سخت به ایران متصور نبوده، هرچند بر اساس تعالیم اسلامی و ماهیت دشمنی دشمن، از این حوزه نیز نباید غافل و فارغ بود. بلکه دشمنان با تلبیس و رذالت، ماهیت جنگ را تغییر داده و از حوزه سخت(نظامی) به حوزه نرم(جنگ روانی) جابجا شده‌اند.

پرداختن به دفاع از اسلام و انقلاب در حوزه نرم، یکی از ابعاد فرهنگ دفاعی کشور را مشخص می‌سازد که خود متضمن دفاع در حوزه-های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و علمی و فناوری است. از سوی دیگر اهتمام به ابعاد نرم تهدید، به معنای کم‌اهمیت شدن بُعد سخت نظامی - امنیتی فرهنگ دفاعی نیست چرا که اگر خواهان نیل به آرمان‌های امام و انقلاب و نیز استمرار نظام و نجات مستضعفین جهان هستیم، در هر دو بُعد(نرم و سخت) بایستی در راستای هم و به موازات یکدیگر پیش ببریم. انقلاب اسلامی از اولین دقایق خود در بُعد سخت(تحریم، کودتا، تجزیه و جنگ تحمیلی) مورد تهدید و تهاجم قرار گرفته و در نهایت مورد تهاجم نرم واقع می‌گردید؛ ولیکن در حال

حاضر به علت توان نظامی و دفاعی ایران، دشمنان ابتدا بعد نرم تهدید(اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و حقوقی و...) را در دستور کار قرار داده و سپس در صورت موفقیت در مرحله نرم به تهاجم نظامی می‌پردازند.

با این اوصاف و در این شرایط که همه ساختارها و ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در آغاز دهه پنجم حیات خود، مورد آماج تهدید و چالش است، مقام معظم رهبری، با تیزبینی و باریک اندیشی، فرهنگ دفاعی ایران را در قالب نوینی ارائه داده و بر اهتمام بر اصول و مؤلفه‌های این فرهنگ ایرانی اسلامی، تأکید و اصرار دارند؛ چرا که لنگیدن در هر حوزه‌ای، سرعت رشد و بالندگی کشور را کند و متوقف کرده و در مقابل دشمنان اسلام و ایران، آن را آسیب‌پذیر و ناایمن می‌گرداند. در بررسی تعالیم و آموزه‌های اسلامی(قرآن کریم، سیره نبوی و اهل بیت(ع) و حضرت امام خمینی(ره)) که در منظومه فکری حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای تجلی و تبلور یافته است، در مجموع می‌توان فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک مدل و نمودار مفهومی ارائه داد. در مدل استخراج‌شده اخیر، ابتدا ابعاد تهدید دشمن پرداخته، سپس مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی را تبیین نموده و در ادامه شاخص‌های این فرهنگ - دفاعی ارائه گردیده و در نهایت راهکارهایی که مبتنی بر نظرات و فرامین فرماندهی معظم کل قوا حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای - بوده - اند تبیین و تشریح شده‌اند؛ اما همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بهره‌گیری از این اقیانوس فکری و منظومه معرفتی، مستلزم کسب بصیرت، هوشیاری و نگاه علمی به امور است؛ این نگاه علمی و بصیرت سیاسی و دشمن‌شناسی می‌بایست در تمام عرصه‌ها(سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، علمی و فناوری و...) و در تمامی ابعاد(سخت و نرم) و برای همگان(استاد و دانشجو، نظامی و فرهنگی، مسئول و مخدوم، روحانی و بازاری و...) نصب‌العین قرار گرفته و از تمامی ظرفیت‌های علمی و نظری دانشگاه‌ها، مجامع علمی، نیروهای نظامی و انتظامی، سازمانهای حقوقی و ... بهره‌برداری گردد.



منابع و مأخذ:

- [۱]. _____ (۱۳۶۷)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، جلد یکم- تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی.
- [۲]. آشوری، داریوش (۱۳۸۰)، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: نشر آگه، چاپ دوم.
- [۳]. آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران.
- [۴]. بهزادی، حمید (۱۳۶۸)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا.
- [۵]. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸)؛ دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- [۶]. تائب، سعید (۱۳۸۷). «مهاجرت نخبگان: شکست روند توسعه»، فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و دوم، شماره ۱.
- [۷]. جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)؛ دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای، تهران، یاران شاهد.
- [۸]. حسینیخانی، نوراله (۱۳۹۲)، سرمایه‌های فکری، معنوی و انسانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای. تهران: یاران شاهد.
- [۹]. خرم، مسعود، ۱۳۷۸؛ هویت، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان
- [۱۰]. روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴)، زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
- [۱۱]. سیاح، احمد (۱۳۶۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی به فارسی، تهران، اسلام.
- [۱۲]. شاپوری، مهدی. موسوی شفاپی، مسعود و سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۶). «نسب امنیت و توسعه: الزامات سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۲.
- [۱۳]. شریعتی‌نیا، محسن (تابستان ۱۳۸۹)، *ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها*، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۶.
- [۱۴]. صالح‌نیا، علی. بختیاری، حسین (۱۳۹۷). «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*. دوره ۸، شماره ۲۷، صص: ۲۷۷-۲۵۵.
- [۱۵]. عامری، داود (۱۳۹۳)، پیوست فرهنگی، شناخت مبانی، الزامات و کارکردها، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستادکل نیروهای مسلح.
- [۱۶]. غریب‌زندی، داود (۱۳۹۰). *درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی*. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۱۷]. قرآن کریم
- [۱۸]. قربانی، سعید (۱۳۹۲)، علم و فناوری دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای، تهران: یاران شاهد.
- [۱۹]. مرادیان، محسن (۱۳۸۸). *تهدید و امنیت (تعاریف و مفاهیم)*، تهران: مرکز آموزش و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- [۲۰]. مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸)، فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی، انتشارات دفتر مطالعات دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- [۲۱]. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، ج ۲۴، صدرا، تهران.
- [۲۲]. میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۸۳). «بحران امنیت اجتماعی در ایران». *ماهنامه برداشت اول*، سال سوم، شماره ۲۲.
- [۲۳]. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- [۲۴]. نضوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۹). *اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در روند تحولات اقتصادی*. در فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- [۲۵]. وحیدی، احمد (۱۳۸۹). «گفتگوی اختصاصی؛ وزارت دفاع و دیپلماسی دفاعی»، دیپلماسی دفاعی، شماره ۱.
- [۲۶]. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، نینوا.
- [۲۷]. یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵). *سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۲۸]. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی). Khamenei.ir.
- [29]. iranbazgoo.Persian.blog.ir. ۱۳۹۲/۰۶/۰۸
- [30]. parsmanagers.ir. ۱۳۹۲/۰۶/۲۵ (راهکار).
- [۳۱]. آسیب‌شناسی تأثیر قومیت‌گرایی بر امنیت ملی، مجله حصون بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۹.
- [۳۲]. سخنرانی سردار حسین سلامی (جانشین فرمانده سپاه)، همایش ملی فرهنگ دفاعی مرکز همایش‌های صدا و سیما، ۱۳۹۵/۰۲/۲۶.
- [۳۳]. گزارش یونسکو سرمایه‌گذاری دولت‌های جهان در بخش آموزش در سال ۱۹۹۹.
- [34]. Willard, J. E (2006), **Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level**, School of Advanced Military Studies, Command and General Staff College.
- [35]. Corcoran, Andrew J (2003), **Assessing the Effectiveness of Defense Diplomacy**, United Kingdom, Defense Science and Technology Laboratory.

Defense of the Islamic republic of Iran with the application of defense diplomacy

According to the statement of the Second Round of the Revolution

(Thought, components and solutions)

ABSTRACT

If we consider culture as a framework of the «have to» and «don't have to», it is a graphic defense culture of issues that exist in the context of the existing foundations. The Islamic revolution of the Islamic republic of Iran, which is derived from Islamic thought based on the holy Quran and the Islamic revolution of the Islamic revolution and the Islamic revolution of imam, calls for the importance and authority of the Islamic system and the dignity and sovereignty of Islam and Muslim is aspiration. At the end of the age of forty years, in the sense of revolution and the beginning of the fifth decade of the Islamic revolution, the supreme leader issued a declaration that related to independence and freedom and national dignity, foreign relations and borders with the enemy, according to the three principles of art, expediency and wisdom. The present study seeks to answer the question of what solutions and strategies are necessary to achieve the interests of the Islamic republic of Iran? The hypothesis of this study is that by adopting defensive diplomacy in line with defensive culture, the leadership of the supreme leader of the Islamic republic of Iran can be secured and guaranteed. Since the attention and dedication of Islamic Iranian defense culture in soft and hard fields is one of the most fundamental functions of the Islamic community in particular, it requires cooperation and cooperation in all political, economic, cultural and military dimensions. In this regard, the selection of defensive diplomacy tailored to the level of threats to the Islamic republic of Iran is necessary in all aspects of management of the country to witness the military and military authority of this holy system. This thesis presents a descriptive - analytical method with library and library sources. Abstract representation of a model and conceptual diagram of the Islamic republic's defense culture (Output_ from the verses and traditions of Islam) and the statements of the supreme leader (based on the statement of the second step of revolution) and with an approach based on conflict arrogance principle is derived from the fundamental findings of this study.

Key words: defensive culture, defense diplomacy, second step of revolution, national security.